

چرا انسان در گرو اعمالش است؛ عمل چگونه بهشت و جهنم را می‌سازد؟

بررسی و مقدمه‌ای بر مفهوم «انسان در گرو اعمالش است»

یکی از قوانین ثابت خلقت که توسط خداوند متعال در نظام آفرینش مقرر و تثبیت شده، این است که عمل هر کسی اعم از خوب یا بد، همراه ابدی و همیشگی اوست و هرکس در قیامت با باطن عملش محشور خواهد شد؛ به بیان دیگر، انسان در گرو اعمالش بوده و تمام سرنوشت او توسط اعمالش ساخته می‌شود. کسب‌ها و خوراک‌های ما در بعد مادی و جسمانی تأثیر فراوانی بر سلامتی‌مان دارند؛ به عنوان مثال، اگر غذایی که مصرف می‌کنیم، چرب باشد، به طور طبیعی به چربی بدن اضافه می‌شود و چنانچه شیرین باشد، کالری بدن افزایش می‌یابد. در مورد خوراک‌های روح نیز این مسئله مطرح است و دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، بوئیدنی‌ها، نوع خواب‌ها، افکار و خیال‌ها همگی برای ما کسب هستند و در سازندگی نفس‌مان نقش دارند. همه ما سر سفره گذشته خود نشسته‌ایم. وضعیت کنونی هرکدام از ما محصول انتخاب‌ها، ارتباط‌ها، افکار و رفتارهای گذشته ماست. هر رفتاری که از ما سر می‌زند، نفس نیز به تناسب آن رفتار، حالت یا خلقی را کسب می‌کند که می‌تواند مثبت و سازنده، یا منفی و ویرانگر باشد. ما همواره در گرو چیزهایی هستیم که از طریق خیال، وهم، عقل و فوق عقل کسب می‌کنیم^۱ و در نهایت، این ما هستیم که با کسب‌های خوب یا بد، بهشت یا دوزخ را برای خود خلق می‌کنیم.

در این درس قصد داریم مفهوم این جمله را که «انسان در گرو اعمالش است» بیشتر باز کنیم و ببینیم که اعمال و دارایی‌های وجودی ما چه ارتباطی با بهشت و جهنم و کیفیت حیات ابدی ما دارند؟

^۱ سوره مدثر، آیه ۳۸

نحوه جذب و اثرگذاری اکتسابات در نفس

رشد و تولد نوزاد در گرو کسب ژن‌هایی است که از والدین به او منتقل شده است؛ علاوه بر این، تمام خوردنی‌ها، دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، احساسات، خیالات، تفکرات، غم‌ها و شادی‌ها، کینه‌ها و حسادت‌ها، معنویات و هر چیزی که مادر در دوران بارداری و شیردهی کسب می‌کند، به نوزاد منتقل می‌شود و شاکله او را می‌سازد. پدر نیز علاوه بر اینکه از طریق وراثت خصوصیات را به فرزند منتقل می‌کند، از طریق ورودی‌هایی که در دوران بارداری و شیردهی به مادر می‌دهد نیز تأثیرگذار است.

اساساً ما کسب غیر مؤثر نداریم. هر آنچه که وارد ساختار وجودی ما می‌شود، جذب نفس شده و آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، انسان در گرو اعمالش است و وضعیت کنونی هر کدام از ما محصول اکتسابات گذشته ماست. هر کدام از بخش‌های وجودی ما اعم از حس، خیال، وهم، عقل و فوق عقل دارای کسب‌هایی هستند؛ رنگ‌ها، تصاویر، انواع بوها، انواع لمس کردنی‌ها و ... همگی در نفس تأثیر می‌گذارند؛ به طور مثال، دیدن یک رنگ خاص ما را شاد می‌کند و رنگی دیگر ما را غصه‌دار و عصبی می‌کند، یا مثلاً بوی خوش، نفس را باطراوت و زنده می‌کند. افکار و خیال‌های ما نیز چه مثبت و چه منفی، اثرات خاص خود را بر نفس می‌گذارند.

نکته مهمی که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که مکتسبات هر بخش از وجود ما روی بخش‌های بالاتر اثرگذار است؛ به این صورت که مکتسبات حسی، روی خیال اثر می‌گذارند، مکتسبات خیالی روی وهم، مکتسبات وهمی روی عقل و مکتسبات عقلی نیز روی فوق‌عقل یا قلب.

به عنوان مثال، کسی که از چشم و گوشش مراقبت نمی‌کند، هرگز نمی‌تواند خیالات پاک و روحانی داشته باشد و در خیالات آلوده اسیر می‌شود. وقتی خیال آلوده شد، اوهم هم آلوده می‌شود و به دنبال آن معقولات و افکار هم غلط از آب در می‌آید. خیلی از ترس‌ها و اضطراب‌های ما ریشه در همین موضوع دارد. برای نمونه، همه ما می‌دانیم که جسد یک جسم بی‌جان است و نمی‌تواند هیچ آسیبی به ما برساند؛ با این وجود خیلی از افراد از تنها ماندن با جنازه وحشت دارند؛ زیرا قوه واهمه آن‌ها بر عقلشان غلبه پیدا کرده و

با اینکه عقلشان بی‌خطر بودن میت را تصدیق می‌کند، اما هم‌چنان از خلوت با او می‌ترسند. قوه‌ واهمه روی ایمان و باور قلبی افراد هم اثر می‌گذارد. خیلی از ما باور قلبی داریم که صدقه مال را زیاد می‌کند. اما موقع انفاق دست و دلمان می‌لرزد. چون قوه‌ واهمه‌مان به ترسی کاذب آلوده شده و پای ایمان‌مان را سست کرده است.

با این اوصاف، روح و جان ما، همواره گروگان چیزهای خوب و بدی است که از طریق حس، خیال، وهم، عقل و فوق عقل کسب و جذب می‌کند؛ اگر در حال حاضر تندخو، زودرنج، تنبل و ناآرام هستیم، نتیجه‌ افکار، انتخاب‌ها، ارتباط‌ها و رفتارها و در یک کلام نتیجه‌ کسب‌هایی است که در گذشته داشته‌ایم.

بهشت و جهنم ظهورات نفس

رابطه‌ بهشت و جهنم با اعمال ما چه نوع رابطه‌ای است؟ آیا بهشت و جهنم مکان‌هایی هستند که از قبل ساخته شده‌اند، یا خودمان در ساختن آن‌ها نقش داریم؟ آیا انواع عذاب‌ها و لذاتی که در بهشت و جهنم وجود دارند، ظهورات نفس هستند، یا واقعیتی جدا از آن؟

پاسخ این سؤالات با توجه به دو قسمت قبل کاملاً روشن است؛ زیرا همان‌طور که گفتیم انسان در گرو اعمالش است؛ یعنی این‌طور نیست که عمل یک چیز باشد و جزا چیزی جدا از آن. به عبارت دیگر، سعادت و شقاوت و بهشتی یا جهنمی شدن هر انسان در گرو اعمالش است. ما دائماً با جلوه‌ها و ظهورات خودمان روبه‌رو هستیم. بهشت و جهنم نیز چیزی نیستند، به جز ظهور اعمال خودمان. همه‌ ما در آتشی می‌سوزیم یا در بهشتی متنعم می‌شویم که با افکار، اعضا و جوارح خود در این دنیا به وجود آورده‌ایم. تمام چیزهایی که در جهنم و بهشت هست، حاصل کسب‌های دنیایی ماست؛ در حقیقت این خدا نیست که بهشت و دوزخ را برای ما آماده و فراهم کرده؛ بلکه این ما هستیم که با اعمال خویش بهشت و دوزخ را می‌سازیم.

هر کدام از ما می‌تواند بهشتی با نعمت‌های ابدی بسازد، یا دوزخی با عذاب‌های بی‌پایان برای خود فراهم کند.

ما همواره جزای چیزی را می‌دهیم که خودمان کسب کرده‌ایم. هر چیز ناپاک و آلوده‌ای که کسب کنیم، نفس ما را درگیر و آلوده خواهد کرد. کسی هم که اکتسابات آلوده داشته باشد، نه تنها از چیزهای پاک و نورانی لذت نمی‌برد، بلکه روحش همیشه طالب پلیدی‌هاست؛ زیرا با آن‌ها سنخیت دارد.

انسان‌های پاک طالب پاکی‌ها و انسان‌های آلوده طالب آلودگی‌ها هستند. کسی که از صبح تا شب فکر و خیال خود را با خوراک‌های آلوده مانند بدبینی، حسادت، کینه و بداخلاقی تغذیه می‌کند، به هیچ وجه نمی‌تواند شاد و آرام باشد. ظهورات هر کدام از ما به تناسب کسب‌ها و دارایی‌های ماست، نه دانایی‌ها؛ بنابراین اگر کسب‌های خوب و سالم نداشته باشیم، عاقبتی جز انحراف از حق و انکار و تکذیب آن نخواهیم داشت. خیلی از اوقات ما با اینکه قبح یک‌سری از کارها را می‌دانیم، اما نمی‌توانیم از آن‌ها دست بکشیم و گاه حتی تمایلی به دست کشیدن از این کارها نداریم. علت این است که کسب‌های گذشته ما، شخصیت ما را به اسارت خود درآورده و اجازه رفتار و واکنش درست را از ما سلب کرده است.

در این درس درباره این حقیقت که انسان در گرو اعمالش است، صحبت کردیم و گفتیم که نفس ما با هر عملی که انجام می‌دهیم چیزهایی را کسب و جذب می‌کند که در نهایت به صورت بهشت یا جهنم بروز و ظهور خواهد کرد؛ در واقع این خود ما هستیم که با کسب‌های خوب یا بد، بهشت یا دوزخ را برای خود خلق می‌کنیم.